

Strategies for developing knowledge-based employment in Yazd Province

Habib Ansarisamani¹, Associate Professor, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University

Dariush Farid, Associate Professor, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University

Fereshteh Nafar, Master of Economics, Yazd University

Received: 25-12-2021

Accepted: 21-10-2022

Introduction: The category of knowledge has always been the subject of human discussion, and its yield in the field of economics is the presentation of the knowledge-based economy concept, which emphasizes on the production and distribution of goods and services and takes into account the share of knowledge. Employment in the knowledge-based economy is characterized by increasing demand for highly skilled workers, and the member countries of economic cooperation and development tend to have high-tech intensive knowledge in the production and employment sectors. In developing countries, knowledge-based economy and knowledge-based employment are carried out in a scattered manner and a fixed and incomplete pattern. In Iran, the issue of educated unemployment in the provinces is one of the problems that has always attracted the attention of provincial officials. According to the statistics, 49% of the graduates of the universities in Yazd have bachelor's degrees, 26% associate degrees, 20% master's degrees, 2% professional doctorate degrees, and 1% specialized doctorate degrees in the fields of humanities, technology, engineering, art, medicine, basic sciences, agriculture and veterinary medicine. Most of the male graduates are in technical and engineering fields and humanities, and the female graduates studied humanities and arts. Most of the graduates are from the universities of the Ministry of Science, Research and Technology (20%), technical and vocational centers (20%) and Islamic Azad universities (19%). Most of the graduates of the province studied in Yazd, Meybod, Taft and Ardakan cities. According to the statistical yearbook of Yazd Province, the unemployment rate in the population of graduates or students studying in higher education is 14031, and the number of the unemployed is 45912. Therefore, one of the main problems in the province is the growing unemployment rate, especially among university graduates looking for a job. Also, the slow trend of sustainable employment and employment of students in the country hinders the full realization of the knowledge-based economy. In this regard, the present study seeks to provide solutions to increase the employment of knowledge-based people in Yazd Province.

Methodology : Given the lack of theoretical foundations regarding the concept of knowledge-based employment and the need to recognize its dimensions and a comprehensive explanation of the factors affecting the development of knowledge-based employment in the field, this exploratory study is conducted on fundamental

¹. Corresponding Author Email: H.samani@yazd.ac.ir

themes, dimensions and concepts through interviews with experts. In the target community, the other related sources were extracted and, at the same time, the data analysis and coding were performed using the Atlas IT8 software.

Results and Discussion: The process of analysis in theorizing began with the coding of the data, and then the relationship between the categories produced in the open coding stage was established. In this process, one category was recognized as the central or main category and then the other categories were set as sub-categories. Under the various headings of the paradigm model, the main category was related, and, in the last stage, the concepts were regularly related together. According to the results, the development of employment as a causal condition, the interaction of university, industry and government as a central category of information and communication technology, social capital, policy institution, innovation and marketing, education system and macroeconomic conditions of the country as institutional factors were identified as the context for regional development, economic growth, development of knowledge-based companies, and dissemination of collaborative learning based on mutual trust as strategies, interactions and actions. They provide a framework for the development of knowledge-based employment.

Conclusion: Interaction of university, industry and government in the context of institutional conditions such as institutional convergence, dissemination of institutional learning, cohesion and integration of the institutional structure of society under the influence of intervening factors such as information and communication technology, social capital, political institution, innovation and marketing, education system, and the macroeconomic conditions of the country lead to strategies of interaction and action such as regional development, economic growth and development, development of knowledge-based companies, and the dissemination of collaborative learning based on mutual trust. The result of these strategies is the development of knowledge-based employment with issues such as networking between academic institutions and knowledge-based companies, the consideration of science and technology policy as national assets, possession of a well-educated human resources, production of knowledge based on community needs in practical contexts, the activity of universities as scientific-economic institutions and academic groups as knowledge enterprises, improvement of technological capability in major industries, networking between academic institutions and private companies, activities and interdisciplinary learning based on real operational issues, and integration of science and technology by developing strategies and macro-policies.

Keywords: Employment, Knowledge-based Employment, Data-based Theory, Knowledge-based, Conceptualization.

راهبردهای توسعه اشتغال دانش‌بنیان در استان یزد

حبیب انصاری سامانی^۱، دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد

داریوش فرید، دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد

فرشته نقر، دانشجو ارشد اقتصاد، دانشگاه یزد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹

چکیده

با مطالعه و بررسی مکاتب اقتصادی و به طبع آن نظریه‌های موجود، می‌توان موضوع اشتغال و اشتغال‌زایی را یکی از مباحثی دانست که از دیرباز همواره مورد توجه اقتصاددانان و نظریه‌پردازان در مکاتب عمده اقتصادی قرار گرفته است. اما مباحث کیفی مانند اندازه اقتصاد، نظام اقتصادی و عوامل تاریخی در این مکاتب نادیده گرفته شده است. در اقتصاد دانش‌بنیان، علاوه بر توجه به نهادهای حاکم و ساختارهای موجود، تغییرات کیفی در ساختار و تنظیمات نهادی به طور ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت دانش در بحث اشتغال، در این مقاله راهکارهای توسعه اشتغال دانش‌بنیان در استان یزد مورد شناسایی و تبیین قرار گرفته است. این پژوهش از نظر هدف، اکتشافی و جهت‌گیری آن بنیادی است. رویکرد پژوهش استقرایی و نحوه انجام آن کیفی بوده و براساس نظریه داده‌بنیاد، مضامین و ابعاد قابل توجه در این رابطه شامل توسعه اشتغال، نهاد سیاست، یادگیری همکارانه، نظام آموزش و پژوهشی، شرایط اقتصاد کلان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرمایه اجتماعی، نهادها، تعامل دانشگاه، صنعت و دولت، شرکت‌ها و پارک‌های علم و فناوری، توسعه منطقه، نوآوری و بازاریابی و رشد اقتصادی استخراج شده‌اند.

کلمات کلیدی: اشتغال، اشتغال دانش‌بنیان، نظریه داده‌بنیاد، دانش‌بنیان، مفهوم‌پردازی.

مقدمه

سازمان اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی دارد که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش‌پایه مورد توجه خاص قرار می‌گیرند (زارع قلعه سیدی، ۱۳۹۶: ۴)؛ سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا^۱ از طریق گسترش ایده مطرح شده با (OECD) در خصوص اقتصاد دانش‌بنیان آن را اقتصادی می‌داند که در آن تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل و محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی صنایع است. بر این اساس، اقتصاد دانش‌بنیان برای رشد و تولید ثروت تنها به تعدادی از صنایع با فناوری بالا متکی نیست، بلکه در اقتصاد تمامی صنایع به فراخور نیاز خود از دانش استفاده می‌کنند. در اقتصاد دانش‌بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش در تمامی صنایع، عامل محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال است (معمارنژاد، ۱۳۸۴: ۸۶). اشتغال در اقتصاد مبتنی بر دانش با افزایش تقاضا برای کارگران بسیار ماهر مشخص می‌شود. کشورهای عضو همکاری و توسعه اقتصادی تمایل دارند دانش فشرده با فناوری بالا در بخش‌های تولید و اشتغال رشد پویا داشته باشند. تغییرات در فناوری و به‌خصوص ظهور فناوری‌های اطلاعات، باعث افزایش کارکنان آموزش دیده و ماهر و کاهش نیروی کار غیرماهر شده است. سیاست‌های دولت نیز باعث افزایش نیاز به سرمایه انسانی از طریق ترویج دسترسی به طیف وسیعی از مهارت‌ها شده است. از این رو، سیاست‌های دولت معطوف به افزایش ظرفیت یادگیری و افزایش قدرت توزیع دانش اقتصادی از طریق شبکه‌های مشارکتی و انتشار فناوری است. دولت‌ها با فراهم آوردن شرایط برای تغییر سازمانی در شرکت‌ها، سعی در به حداکثر رساندن مزایای فناوری برای بهره‌وری داشته‌اند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۸).

در کشورهای در حال توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و اشتغال دانش‌بنیان به صورت پراکنده و با الگوی ثابت و به صورت ناقص در حال انجام است. در ایران نیز مساله بیکاری دانش‌آموختگان در استان‌ها یکی از معضلاتی است که همواره مورد توجه مسئولین استان‌ها قرار گرفته است. استان یزد یکی از استان‌های صنعتی است و طبق جدول ۱، ۴۹ درصد دانش‌آموختگان دانشگاه‌های استان در مقطع کارشناسی، ۲۶ درصد در مقطع کاردانی، ۲۰ درصد در مقطع کارشناسی ارشد، ۲ درصد در مقطع

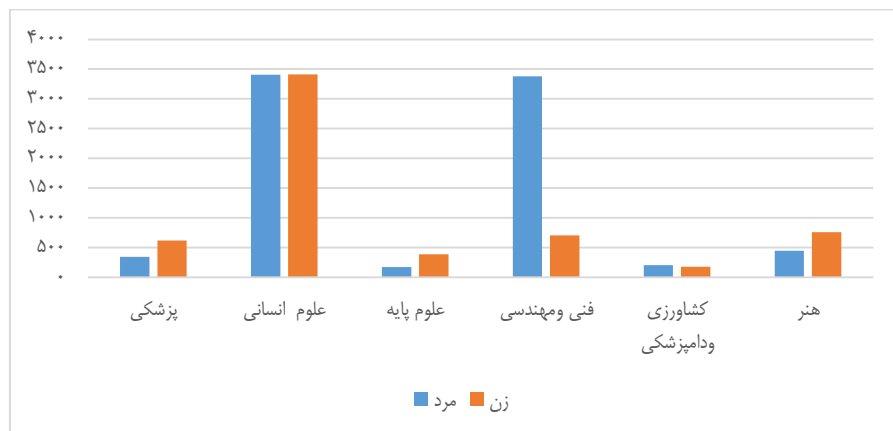
^۱. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)

دکترای حرفه‌ای و ۱ درصد در مقطع دکترای تخصصی فارغ‌التحصیل شده‌اند. طبق نمودار ۱، بیشترین فارغ‌التحصیلان استان به ترتیب در رشته‌های علوم انسانی، فنی و مهندسی، هنر، پزشکی، علوم پایه و در آخر کشاورزی و دامپزشکی می‌باشد. اغلب دانش‌آموختگان مرد به ترتیب در رشته‌های فنی و مهندسی و علوم انسانی و دانش‌آموختگان زن به ترتیب در رشته‌های علوم انسانی و هنر فارغ‌التحصیل شده‌اند. بیشترین فارغ‌التحصیلان از دانشگاه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۲۰٪)، فنی و حرفه‌ای (۲۰٪) و دانشگاه‌های آزاد اسلامی (۱۹٪) می‌باشد. بیشترین فارغ‌التحصیلان استان از شهرستان‌های یزد، میبد، تفت و اردکان می‌باشد. طبق گزارش سالنامه آماری استان یزد نرخ بیکاری در جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دوره‌های عالی، ۱۴۰۳۱ و تعداد بیکاران ۴۵۹۱۲ نفر می‌باشد. بنابراین، یکی از معضلات مهم و اصلی موجود در کشور و در استان یزد، افزایش رو به رشد نرخ بیکاری به‌ویژه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی جویای کار و روند کند اشتغال‌زایی پایدار و اشتغال دانش‌بنیان در کشور است که مانع تحقق کامل اقتصاد دانش‌بنیان می‌باشد. این پژوهش در پی آن است که به بررسی ارائه راهکارهای افزایش اشتغال دانش‌بنیان بپردازد.

جدول ۱- دانش‌آموختگان موسسات آموزش عالی برحسب گروه عمده رشته تحصیل سال ۱۳۹۸

نوع وابستگی	جمع کل	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکترای حرفه‌ای	دکترای تخصصی
جمع کل	۱۴۰۳۱	۳۶۶۵	۶۹۶۸	۲۸۲۵	۳۱۲	۲۶۱
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۲۸۹۳ (۲۰٪)	۱۲۱	۲۰۴۲	۶۱۹	۰	۱۱۱
پیام نور	۱۰۹۱ (۷٪)	۲۹	۶۰۳	۴۵۸	۰	۱
علمی و کاربردی	۱۸۵۲ (۱۳٪)	۹۱۷	۹۳۵	۰	۰	۰
فنی و حرفه‌ای	۲۸۴۶ (۲۰٪)	۲۰۵۵	۷۹۱	۰	۰	۰
فرهنگیان	۱۲۵ (۰.۸٪)	۰	۱۲۵	۰	۰	۰
وزارت بهداشت، درمان آموزش پزشکی	۱۰۵۰ (۷٪)	۴۹	۴۴۲	۱۲۵	۳۱۱	۱۲۳
سایر دستگاه‌های اجرایی	۹۹ (۰.۷٪)	۱	۶۷	۳۱	۰	۰
آزاد اسلامی	۲۷۸۴ (۱۹٪)	۳۱۵	۹۹۹	۱۴۴۳	۱	۲۶
موسسات آموزش عالی غیردولتی، غیرانتفاعی	۹۹ (۰.۷٪)	۱۷۸	۹۶۴	۱۴۹	۰	۰

مأخذ: جدول شماره ۲۹-۱۷ سالنامه آماری سال ۱۳۹۸.



نمودار ۱- نرخ مشارکت و نرخ بیکاری مردان و زنان استان از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مبانی نظری. اشتغال. اشتغال نمادی از تعادل یا عدم تعادل عرضه و تقاضای نیروی انسانی در بازار کار است. مکتب سوداگران را می‌توان در نظر گرفت که اشتغال را مورد ارزیابی قرار داده و افزایش جمعیت فعال، مهاجرت و در نتیجه افزایش عرضه نیروی کار را عواملی بر افزایش اشتغال می‌دانند. این در حالی است که مکتب کلاسیک‌ها بر اشتغال کامل بدون دخالت دولت باور دارد. همچنین کینزین‌ها تقاضای مؤثر را یادآور شده و تعادل اقتصادی توأم با اشتغال کامل در مکتب سرمایه‌داری مطرح شده است. در این میان نظریه‌پردازانی چون بوربیج، شومپیتر، آرتور لوییسی و مید و لیدهلم نیز در این باب نظریه‌ها و نظریات خود را ارائه کرده‌اند. با این وجود، اندازه اقتصاد، نظام اقتصادی و عوامل تاریخی و ... در ایجاد شغل و اینکه از کدام یک از دیدگاه‌ها تبعیت شود، تأثیر بسزایی دارد.

اقتصاد دانش‌بنیان. اقتصاد همواره در حال تغییر است و رشد اقتصادی باعث توسعه کشورها و دوام حکومت‌ها می‌شود. از این رو، همه قاره‌ها، مناطق و یا کشورها به طور جدی در اقتصاد جهانی درگیر هستند و به دنبال راهکاری می‌باشند تا رقابت عامل اصلی در پیشرفت باشد. اقتصادهای مبتنی بر دانش، یک مدل توسعه اقتصادی هستند و محیطی را فراهم می‌کنند که رقابت در آن حیاتی است. این نوع اقتصاد در اواخر دهه ۱۹۹۰ در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و گزارش بانک جهانی مطرح شد (بانک، ۲۰۰۷؛ OECD، ۱۹۹۶). از نظر OECD

اقتصاد دانش‌محور اقتصادی است که به طور مستقیم براساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. در اقتصاد دانش‌محور، دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی رشته‌های فعالیت‌ها است. بر این اساس، اقتصاد دانش‌محور تنها به تعداد محدودی صنایع مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته وابسته نیست؛ بلکه در این نوع اقتصاد تمامی فعالیت‌های اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است. حتی فعالیت‌هایی نظیر معدن و کشاورزی که اقتصاد قدیمی خوانده می‌شوند. همچنین دانش مورد نیاز برای ساختن اقتصاد دانش‌محور، تنها از نوع فناوری محض نیست و دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی را نیز شامل می‌شود (وحیدی، ۱۳۸۰: ۲ و ۳). چن و دالمن^۱ بیان می‌کنند که یک اقتصاد مبتنی بر دانش بر چهار رکن بنا شده است: اول، به یک چارچوب اقتصادی و نهادی نیاز دارد که مشوق‌هایی را برای ایجاد محیطی کارآمد و همچنین انتشار و استفاده از دانش برای ترویج رشد و افزایش رفاه فراهم کند. دوم، به یک جمعیت تحصیل‌کرده و ماهر نیاز دارد که بتواند خلق دانش کرده و از آن استفاده کند. سوم، سیستم‌های نوآوری که می‌توانند به رشد روز افزون دانش جهانی بپردازند را با نیازهای محلی تطبیق دهند و به کالاهایی با ارزش بازار تبدیل کنند. در نهایت، یک زیرساخت اطلاعاتی پویا مورد نیاز است که بتواند ارتباطات مؤثر و پردازش اطلاعات را تسهیل کند (چن و دالمن، ۲۰۰۵: ۴)، همچنین عمادزاده و شهنازی (۱۳۸۶) اقتصاد دانش‌محور را برگرفته از پایه‌های انقلاب دانش می‌دانند که انقلاب دانش متأثر از چندین عامل است که عبارتند از: افزایش دانش کدبندی شده، افزایش تحلیل اطلاعات، ذخیره‌سازی و انتقال، توسعه و گسترش فناوری‌های نو، افزایش اهمیت دانش و مهارت نیروی کار، افزایش اهمیت ابداعات و کارایی در رقابت و رشد GDP، افزایش سرمایه‌گذاری غیرملموس، جهانی شدن و رقابت شدید و گسترش تجارت جهانی (عمادزاده و شهنازی، ۱۳۸۶: ۱۵).

اشتغال دانش‌بنیان و کارگران دانشی. نیروی کار آموزش‌دیده و متخصص یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد دانش‌بنیان تلقی می‌شود. در اقتصاد دانش‌بنیان، جمعیت آموزش‌دیده و متخصص برای خلق، کسب، انتشار و بهره‌مندی از دانش ضروری است. طبق نظر مارکوا و فورد^۲ (۲۰۱۱)، اصطلاح «کارگر دانشی» به آن دسته از افراد با ظرفیت و مهارت فکری بالا اطلاق می‌شود که از دانش برای ایجاد ایده‌های

1. Chen and Dalman

2. Markova and Ford

جدید استفاده کنند و به صورت خلاقانه محصولات یا خدمات جدید را توسعه دهند (مارکوا و فورد، ۲۰۱۱: ۸۱۴). همچنین لرد و فارینگتون^۱ (۲۰۰۶) بیان می‌کنند که دانشمندان دانشی با استفاده از دانش خود به محصولات و خدمات شرکت می‌افزایند و شامل حرفه‌هایی مانند مهندسين، دانشمندان فن‌آوران اطلاعات، حسابداران، محققان، مددکاران اجتماعی و غیره می‌شود (لرد و فارینگتون، ۲۰۰۶: ۲۰).

طبق نظر وونگ (۲۰۱۹)، کارگر دانشی «شخصی باانگیزه و دارای ظرفیت برای ایجاد بینش‌های جدید و توانایی برقراری ارتباط، مربی‌گری و تسهیل در اجرای ایده‌های جدید» است (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۶). در کارهایی که توسط دانشمندان دانشی انجام می‌شود از دانش علمی و نظری استفاده می‌کند و برای ساختن فرآیندها یا محصولات نوآورانه نیاز به یادگیری مستمر، خلاقیت، شهود و تخیل دارد و کار به صورت نتیجه‌گرا و غیرتکراری است. کارگران دانشی، کارکنان بسیار ماهری هستند و به طور معمول مدت زمان زیادی را برای کسب مهارت‌های رسمی از طریق آموزش رسمی و آموزش‌های حرفه‌ای صرف کرده‌اند (دراکر، ۱۹۹۲)، با گذشت سال‌ها تخصص، کارکنان دانشی ممکن است علاقه درونی به حرفه خود داشته باشند (مارکوا و فورد، ۲۰۱۱: ۸۱۴). دانش نظری و تحلیلی که این کارمندان در اختیار دارند، یک دارایی ارزشمند برای سازمان‌هایشان است. این کار نتیجه‌گرا است و اغلب به وظایفی مانند طراحی، حل مساله، تجزیه و تحلیل داده‌ها و یا گزارش‌دهی نیاز دارد. از آنجا که کار آنها اغلب نیاز به تمرکز دانش دارد؛ کارگران به فضای ذهنی نیاز دارند تا کار چالش‌برانگیز را دنبال کنند و مشکلات را حل کنند. آنها از هجوم، مهلت‌های تعیین شده و جلسات غیرضروری بیزار هستند. با این حال، کارکنان دانشی به احتمال زیاد از یک رویکرد مشارکتی استفاده می‌کنند و در تیم‌ها کار خواهند کرد (جو، ۲۰۱۰: ۷۰؛ به نقل از جانسون و بیرلین، ۲۰۰۰). از آنجایی که کارگران دانشی کار گروهی را به کار تک نفره ترجیح می‌دهند بنابراین باید با مدیرانشان در یک راستا قرار گیرند نه با یک زیردست (ماسارو، ۲۰۱۲: ۷۲۱). با توجه به حرفه خود همچون منبع هویت (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۷)، کارکنان دانشی در زمینه

1. Lord and Farrington

2. Wong

3. Drucker

4. Joo

5. Johnson, and Beyerlein

6. Massaro

حرفه خود همیشه در حال یادگیری مطالب جدید هستند و شکست‌هایی که در طول مسیر با آن روبه‌رو می‌شوند را یک فرصت می‌بینند تا بتوانند در پروژه‌های آینده، مهارت خود را در کارآیی اولیه و سایر حوزه‌های مورد علاقه خود افزایش دهند (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۷، به نقل از فرید و سلوک^۱، ۲۰۰۴).

کارگران دانشی در صورتی که پیش‌بینی کنند در محل کار فعلی خود امکان رشد و ترقی برای آن‌ها وجود ندارد یا در شغل فعلی خود احساس عدم رضایت داشته باشند محل کار خود را تغییر می‌دهند (ماسارو، ۲۰۱۲: ۷۲۲). از آنجا که دانش و اطلاعات بخشی از مهارت شخصی کارمندان است، مدیران باید استقلال در نقش‌های شغلی و منافع کارگران دانشی را به موازات برنامه‌های استراتژیک سازمان هماهنگ کنند (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۷ به نقل از مارکووا و فورد، ۲۰۱۱). استقلال ممکن است مهمترین ویژگی شغلی باشد که نزد کارگران دانشی با ارزش است (چنی^۲، ۱۹۸۴: ۲۱۴). مدیران باید تعداد جلسات مورد نیاز را محدود کرده و کارمندان دانشی را از انجام کارهای وابسته به امور اداری دور نگه دارند و به آن‌ها استقلال دهند تا وظایف خود را با حداقل مدیریت و دستور انجام دهند (ماسارو، ۲۰۱۲: ۷۲۲). اگر شرایطی ایجاد شود که کارگران دانشی نسبت به پروژه خود احساس مسئولیت کنند، منبع انگیزه‌ای برای آن‌ها خواهد بود و علاوه بر آن، کار بهتر و با نوآوری بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۸).

از آنجا که شغل‌های دانش‌بنیان پیچیده هستند و مستلزم عناصر غیرقابل کنترل بوده که ارزیابی را انجام می‌دهند این امر ارزیابی عملکرد و بررسی جبران خسارت را دشوار می‌سازد (مارکووا و فورد، ۲۰۱۱: ۸۱۴). از آنجا که عملکرد شغلی کارکنان دانشی شامل کارگران دانشی و تیم‌هایی کاری وابسته به آن‌ها نیاز به زمان کافی برای مقابله با پیچیدگی دارد، بنابراین فشارهای زمانی ممکن است به طور خاص آسیب‌رسان باشد (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۸). کارمندانی که صلاحیت کار در برنامه‌های خود را دارند، در انجام کارهای خلاقانه و تحلیلی خود، کارآمدتر خواهند بود (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۸). طراحی تیم‌ها ممکن است برای تیم‌هایی از کارکنان دانشی یا تیم‌هایی متشکل از دیگر انواع کارکنان متفاوت باشد (وونگ، ۲۰۱۹: ۱۸). وابستگی متقابل مشخصه تعیین‌کننده همه تیم‌ها است. اگر درست سازماندهی نشود یا مدیریت نشود،

1. Fried and Slowik

2. Cheney

تیم‌ها ممکن است مانع از توانایی کارکنان دانشی برای مشارکت مؤثر به دلیل عوامل بازدارنده‌ای شوند که ممکن است در انجام کارهای پیچیده به آن‌ها تحمیل شود (وونگ، ۲۰۱۸: ۱۸، به نقل از جانزو همکاران: ۱۹۹۷).

مدیران ارشد برای ایجاد انگیزه کارگران دانشی باید آن‌ها را به رسمیت بشناسند (هورویتز و همکاران^۲، ۲۰۰۳: ۳۳ و ۳۸). برای این که این انگیزه اثربخشی بیشتری داشته باشد باید از استراتژی‌هایی که به توانایی افراد مرتبط است استفاده کرد و محیط کار و ابزار متناسب با ظرفیت استعداد آن‌ها را فراهم نمود (ماسارو، ۲۰۱۲: ۷۲۲). تجهیز کارگران دانشی به فناوری پیشرفته منجر به ایجاد انگیزه در کارگران دانشی و افزایش بهره‌وری می‌شود. در صورت کاهش این ابزارها وظایف مکرر و تکراری است (هورویتز و همکاران^۳، ۲۰۰۳، ۳۳). از دیگر استراتژی‌های انگیزشی و احتمالی می‌توان به استقلال، طراحی شغل و فرصت‌های توسعه اشاره نمود.

پیشینه تحقیق

در خصوص مطالعات صورت گرفته در حوزه اشتغال می‌توان گفت دراکر واژه " کارگر دانشی " را در سال ۱۹۶۶ در کتاب اجرای مؤثر به کار برد. بعدها در سال ۱۹۹۹، او پیشنهاد کرد که " ارزشمندترین دارایی یک مؤسسه قرن بیست و یکم، چه کسب و کار تجاری و چه غیر تجاری، کارگران دانشی و بهره‌وری آن‌ها خواهد بود ". اگر چه در بسیاری از مطالعات صورت گرفته حوزه اشتغال در سطح جهان، دانش معیاری برای افزایش اشتغال کشورها در نظر گرفته شده با این حال در سال‌های گذشته مطالعات بسیاری در سطوح بین‌المللی به طور خاص بحث دانش در افزایش اشتغال را مورد تأکید قرار داده‌اند. همچنین شواهد بین‌المللی از جمله مطالعات صورت گرفته توسط گرین و سارداکیس^۴ (۲۰۰۸)، کورومیناس و دیگران^۵ (۲۰۱۰) بانک توسعه آسیا^۶ (۲۰۱۴) و شورای کمک هزینه آموزش عالی انگلیس^۱ (۲۰۱۷) گویای این مطلب است که بخش زیادی از مسائل حوزه اشتغال دانش آموختگان را باید در نحوه تعاملات طرف عرضه نیروی انسانی دانش آموخته (آموزش عالی) و

1. Janz

2. Horwitz

3. Green and Sardakis

4. Corominas

5. Asia Development Bank (ADB)

6. The Higher Education Funding Council for England (HEFCE)

بخشی را در طرف تقاضای نیروی انسانی تحصیلکرده (بازار کار) جستجو کرد. رایت و همکاران^۱ (۲۰۱۸) با هدف ادغام جنبه‌های مختلف تأثیرات زمینه‌ای بر تحرک کارکنان دانشی به این نتیجه رسیدند که پرداختن به این دستور کار (تحرک گارگران دانشی)، باید پتانسیل ایجاد یک مشارکت مهم در اطلاع رسانی فردی، تدوین استراتژی شرکت و یک بحث سیاست نوظهور با گرایش‌های جهانی و تغییر سیاست‌گذاری بر اشتغال دانش‌بنیان و در نتیجه عملکرد بنگاه‌های اقتصادی، منطقه‌ای و ملی را داشته باشد. هوو^۲ (۲۰۱۹) با هدف بررسی سازگاری مدل شایستگی برای کارمندان مبتنی بر دانش در فعالیتهای اقتصادی چین و بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصی، سواد دانشی، توانایی فکری، قابلیت همکاری، توانایی حرفه‌ای، توانایی نوآوری و عملکرد شخصی با تحقیقات تجربی نتیجه گرفت که شایستگی تأثیر تحریک کننده بر عملکرد فردی دارد. یعنی اینکه هرچه صلاحیت کارکنان دانش‌بنیان بیشتر باشد، عملکرد بنگاه‌های تجارت الکترونیکی بهتر خواهد بود. تانگ^۳ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با هدف نظارت بر کیفیت اشتغال فارغ التحصیلان و خدمت به دانش آموختگان و تقویت رقابت شغلی به این نتیجه رسید که بهبود نظارت بر کیفیت اشتغال فارغ التحصیلان نیازمند بهبود سیستم شاخص تحقیقات است و برای هدایت نظارت بر کیفیت اشتغال فارغ التحصیلان، لازم است یک سیستم از چندین شاخص مستقل تهیه شود.

معمارنژاد (۱۳۸۴) به بررسی وضعیت ایران و کشورهای منتخب شامل کشورهای پیشرفته و در حال توسعه برای سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ پرداخته است. همچنین بر اساس جستجوهای محقق در خصوص وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان فقط دو پژوهش انجام گرفته است. توسعه اشتغال دانش‌بنیانی که پایان نامه کارشناسی ارشد نجقلو (۱۳۹۶) در استان زنجان است و به این نتیجه رسید که از میان چهار دسته عوامل اثرگذار (فردبنیان، شغل بنیان، سازمان بنیان و محیط بنیان) عوامل سازمان بنیان مؤثرترین عامل در ایجاد و توسعه اشتغال دانش‌بنیان است. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۹) نیز توسعه اشتغال دانش‌بنیان را در سطح کشور با استفاده از روش داده بنیاد بررسی کردند که به این نتیجه رسیدند در اشتغال دانش‌بنیان اولین

1. Wright

2. Hu

3. Tang Hui

قدم توسعه دانش و مهارت‌های نیروی انسانی است که می‌تواند بر اشتغال دانش بنیان اثر بگذارند. از طرفی نیز نهادها و مشوق‌های اقتصادی یا به عبارتی رژیم نهادی و اقتصادی در یک کشور می‌توانند بستری برای یک اقتصاد پویا تلقی شوند. تفاوت مطالعه حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته در این است که این پژوهش‌ها فقط به مصاحبه اکتفا نموده‌اند اما در مطالعه حاضر علاوه بر مصاحبه، اسناد و مدارک بالا دستی به علاوه ۵۸ مطالعه صورت گرفته (داخلی و خارجی) در این حوزه با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti8 کدبندی و مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفت که در ادامه به آن پرداخته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که اشتغال افراد تحصیلکرده یک نوع اشتغال دانش‌بنیان محسوب می‌شود و با توجه به خلاء مبانی نظری در رابطه با مفهوم اشتغال دانش‌بنیان و ضرورت شناخت ابعاد آن و تبیین فراگیر عوامل مؤثر بر توسعه اشتغال افراد تحصیلکرده در قلمرو مورد نظر، این مطالعه اکتشافی و جهت‌گیری آن بنیادی است. از آنجاکه به دنبال ایجاد دانش و درک بهتر از پدیده مورد بررسی است از طرف دیگر توسعه اشتغال با رویکرد دانش‌بنیان نیازمند توجه به عناصر و ابعاد آن و نحوه ارتباط آن عناصر با یکدیگر است. و از آنجاییکه این مطالعه به دنبال توسعه اشتغال افراد تحصیلکرده در استان یزد است، بر این اساس، اجرای پژوهش به منظور پاسخ به این سؤال صورت می‌پذیرد که عوامل قابل توجه به منظور توسعه اشتغال دانش‌بنیان در استان یزد کدامند؟ بنابراین این پژوهش می‌کوشد با بررسی اسناد و مدارک موجود و استفاده از مصاحبه‌های تخصصی، به شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مسئله پژوهش بپردازد و از آنجاکه مصاحبه با متخصصین دانش‌بنیان به زمان زیادی احتیاج دارد و این افراد زمان کافی برای مصاحبه در تمامی ابعاد را نداشته و همچنین تمامی اطلاعات لازم از طریق مصاحبه در اختیار محقق قرار نمی‌گرفت، لذا علاوه بر مصاحبه، اسناد و مدارک و مطالعات پیشین در این زمینه مورد بررسی قرار گرفتند البته تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به روش‌های دستی، کار دشواری است و همچنین این حجم از اسناد و مدارک، قابلیت تجزیه و تحلیل به روش‌های قدیمی ندارد، لذا با استفاده از نرم‌افزار ATLAS.ti.8 به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود. این

نرم‌افزار به خوبی تمامی مصاحبه‌ها، اسناد، پایان‌نامه‌ها و مقالات موجود در این حوزه را کدگذاری و ارائه می‌دهد. این اطلاعات می‌تواند به صورت صوتی، تصویری و متنی باشد.

رویکرد این پژوهش، استقرایی و نحوه انجام آن، کیفی است و با توجه به ماهیت پژوهش از نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است که هدف عمده آن، تبیین یک پدیده با مشخص کردن عناصر کلیدی آن پدیده است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). همان‌گونه که بیان گردید مضامین، ابعاد و مفاهیم از طریق مصاحبه اکتشافی با خبرگان در جامعه هدف و بررسی سایر منابع مرتبط استخراج شده‌اند. براساس اصل حداکثرسازی منابع داده‌ای به منظور ارتقاء هر چه بیشتر روایی درونی در نظریه داده‌بنیاد از منابع مختلف شامل موارد زیر استفاده شده است:

اسناد و مدارک: شامل تدابیر مقام معظم رهبری؛ اسناد فرادستی (سند چشم‌انداز توسعه، نقشه جامع علمی کشور، برنامه‌های توسعه و سند راهبرد جامع فناوری اطلاعات کشور)؛ انتشارات و گزارش سازمان‌های بین‌المللی در رابطه با ایران (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، انکتاد، سازمان ملل، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی)؛ انتشارات بین‌المللی شامل کتاب‌ها و مقالات با محوریت اشتغال افراد تحصیلکرده در کشورهای در حال توسعه و ایران، همایش‌ها و کنفرانس‌ها؛ رساله و پایان‌نامه‌های داخلی مرتبط؛ اخبار مندرج در خبرگزاری‌های رسمی شامل مصاحبه با مسئولین، اساتید و متخصصان مختلف.

مصاحبه با خبرگان: براساس بررسی‌های اولیه صورت گرفته در رابطه با اشتغال دانش‌بنیان و مشخص شدن محورهای اولیه و کلی بحث، خبرگان در دسترس براساس معیارهای برآمده از اهداف پژوهش به شیوه قضاوتی انتخاب شدند. معیار انتخاب خبرگان، مرتبط بودن تحصیلات دانشگاهی، مرتبط بودن حوزه مطالعاتی و پژوهشی در دانشگاه و داشتن سابقه اجرایی و مدیریتی در حوزه‌های مرتبط بوده است. با توجه به روند پیشرفت مصاحبه و آشنایی با متخصصین، مصاحبه با هر یک از خبرگان با توجه به نیاز در یک یا چند جلسه انجام شد و براساس نتایج اولیه و اسناد و مدارک بررسی شده و راهنمایی به عمل آمده توسط صاحب‌نظران، نسبت به انتخاب سایر خبرگان اقدام شد. مصاحبه در جلسات اول به صورت مصاحبه باز

بوده و در جلسات بعدی و با مشخص شدن موارد مرتبط، به صورت نیمه‌ساخت یافته ادامه یافت. نمونه‌گیری قضاوتی یا نظری با کفایت نظری پایان می‌یابد. کفایت نظری زمانی حاصل می‌شود که جمع‌آوری هر گونه داده، کمکی به افزایش مفاهیم در یک مقوله یا تولید مقوله جدید نکند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۴). در مجموع ۳۵ مصاحبه با ۱۸ نفر از خبرگان صورت گرفت که در جدول ۲ قابل مشاهده است تا در نهایت کفایت نظری حاصل شد. ضمن اینکه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها در کنار داده‌های حاصل از بررسی اسناد و مدارک، اصل کثرت‌گرایی در داده‌ها را که در نظریه داده‌بنیاد مورد توجه است، تحقق بخشد.

جدول ۲- توزیع داده‌های جمعیت شناختی خبرگان مصاحبه شونده

ردیف	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	سن (سال)	سابقه کار (سال)	دفعات مصاحبه
۱.	دکتری	اقتصاد	۴۸	۲۰	۱
۲.	دکتری	علوم اجتماعی	۴۳	۱۳	۲
۳.	دکتری	اقتصاد	۴۰	۱۵	۲
۴.	دکتری	مدیریت	۳۱	۳	۲
۵.	دکتری	مخابرات	۳۵	۳	۱
۶.	دکتری	مدیریت آموزشی	۴۸	۲۳	۳
۷.	دکتری	اقتصاد	۴۳	۱۹	۲
۸.	دکتری	حقوق بین‌الملل	۳۷	۴	۲
۹.	دکتری	اقتصاد	۳۵	۴	۱
۱۰.	دکتری	سیاست‌گذاری علم و فناوری	۴۸	۲۱	۳
۱۱.	دکتری	علوم اجتماعی	۴۸	۵	۱
۱۲.	دکتری	زبان	۴۰	۱۰	۱
۱۳.	دکتری	مدیریت	۴۱	۶	۴
۱۴.	دکتری	اقتصاد	۳۹	۱۵	۲
۱۵.	دکتری	منابع طبیعی	۴۵	۳۲	۱
۱۶.	دکتری	صنایع	۵۲	۱۰	۳
۱۷.	دکتری	مدیریت کسب و کار	۳۱	۸	۲
۱۸.	دکتری	جغرافیای شهری	۴۴	۱۵	۲

تحلیل یافته‌های پژوهش

فرایند تجزیه و تحلیل در نظریه‌سازی با کدگذاری داده‌ها آغاز می‌شود. کدگذاری فرایند ایجاد کدها برای تشریح مفاهیم، ویژگی‌ها و پیام‌های موجود در بخش‌های معینی از داده‌ها است. محقق برای کدگذاری باید متن داده‌ها را با دقت مطالعه و مفاهیم و عبارات مهم را از میان انبوهی از داده‌ها استخراج کند و برای هر یک، کد

تعیین کند که به این فرایند کدگذاری گفته می‌شود. این کدها در نظریه‌سازی نقش کلیدی ایفا نموده و همانند عناصر ساخت یک نظریه تلقی می‌شوند. با کنار هم قرار دادن کدهای مرتبط «ابعاد» مشخص می‌شوند. مضامین از کنار هم قرار دادن ابعاد مرتبط ایجاد می‌شوند

نرم افزار اطلس از جمله کارآمدترین نرم افزارها است که با برخورداری از ابزارهای کدگذاری و عینی‌سازی روابط به محقق کمک می‌کند فارغ از حجم داده‌های کیفی، به تحلیل آن‌ها بپردازد. هدف این نرم افزار، آشکارسازی پدیده‌های پیچیده پنهان در داده‌های متنی و چندرسانه‌ای است (سیدجوادین و اسفیدان، ۱۳۸۹).

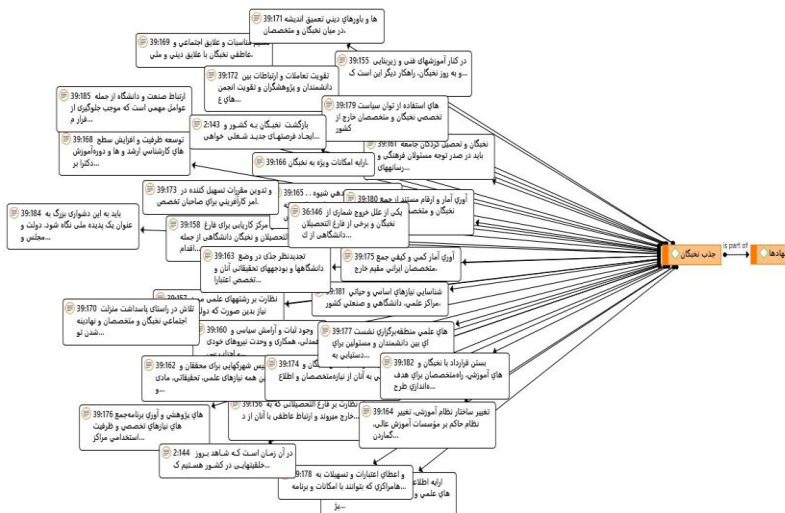
همان‌طور که در روش‌شناسی ذکر شد، جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از طریق بررسی اسناد و مدارک و مصاحبه‌ها صورت گرفت. به طور هم‌زمان، تحلیل داده‌ها و کدگذاری آن‌ها با استفاده از نرم افزار اطلس نسخه ۸ انجام شد. مزیت عمده استفاده از نرم افزار اطلس این است که جنبه‌های ماشینی تحلیل داده‌ها را بدون فدا کردن انعطاف‌پذیری، تسهیل و سرعت می‌بخشد و بدین وسیله پژوهشگر را آزاد می‌سازد تا بر حیطه وسیع‌تری از جنبه‌های خلاقانه‌تر نظریه متمرکز شود (عبدی، ۱۳۹۲: ۲۳۸ به نقل از دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶)، دو سطح اصلی این نرم‌افزار شامل سطح متنی^۲ و سطح مفهومی^۳ است. در سطح متنی، مواردی همچون تقسیم‌بندی فایل داده‌ها، کدگذاری متن، تصویرها، صداها و غیره انجام و روی آن‌ها یادداشت نوشته می‌شود و در سطح مفهومی روی مدل متمرکز می‌شود.

گام اول کدگذاری باز. کدگذاری باز اشاره به بخشی از تحلیل دارد که با عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده آن‌طور که داده‌ها نشان داده‌اند سروکار دارد و نیازمند پرسیدن سؤالات و انجام مقایسه‌ها است. برای مثال اجزای "جذب نخبگان" در شکل ۲ نشان داده شده است و با توجه به تعداد زیاد کدها از بقیه صرف‌نظر شده است.

1. ATLAS.IT8

2. Contextual

3. Conceptual



شکل ۲: مراحل کدگذاری جذب نخبگان از مقوله های اشتغال دانش بنیان در استان یزد

کدگذاری محوری

هدف مرحله کدگذاری محوری گام دوم برقراری رابطه بین مقولات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است و براساس یک الگو و سرمشق جامع و کلی مرسوم به مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا نظریه فرایند اجتماعی مورد مطالعه را راحت تر توسعه دهد. شکل ۳ که حاصل تجزیه و تحلیل مجدد داده ها براساس مدل پارادایم است بیانگر نتایج کدگذاری محوری در این تحقیق می باشد. همانطور که در جدول های ۶، ۵، ۴، ۳ و شکل ۳ نشان داده شده است، در مرحله کدگذاری محوری سعی شد ضمن انتخاب یک مقوله به عنوان مقوله محوری، براساس ساختار مدل پارادایم داده ها مجدداً مورد پردازش قرار گیرند.

شرایط علی: این شرایط باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می شوند. این شرایط را مجموعه ای از مقوله ها به همراه ویژگی هایشان تشکیل می دهند که بیشترین تأثیر را بر شکل گیری مقوله محوری دارند.

جدول ۲- مفاهیم و مقوله های شرایط علی اشتغال دانش بنیان

مضامین (قضایا)	ابعاد (مقوله ها)	تعداد اجزا (مفاهیم)
توسعه اشتغال	اشتغال دانش آموختگان	۳۳ جزء
	اشتغالزایی	۴۵ جزء

طبقه محوری: پدیده یا مقوله محوری عبارت است از ایده (انگاره، تصور) پدیده‌ای که اساس و محور فرایند است. مقوله محوری باید به قدر کافی انتزاعی بوده و تا بتوان سایر مقولات اصلی را به آن ربط داد.

جدول ۳- مفاهیم و مقوله‌های طبقه محوری اشتغال دانش‌بنیان

مضامین (قضایا)	ابعاد (مقوله‌ها)	تعداد اجزا (مفاهیم)
تعامل دانشگاه، صنعت و دولت	پشتیبانی قانونی و مالی از سرمایه‌گذاری خطرپذیر	جزء ۲۳
	ایجاد نهادهای جهت تامین مالی بنگاه‌های نوپای دانش‌بنیان	جزء ۲۴
	ایجاد تیم‌های کاری در شرکت‌ها	جزء ۳۰
	فراهم نمودن منابع انسانی مورد نیاز	جزء ۳۲
	تبادل ایده‌ها بین دانشگاه/ صنعت / دولت	جزء ۲۰
	ایجاد نهادهای ویژه رابط بین صنعت و دانشگاه	جزء ۲۶
	بین‌المللی شدن صنعت و دانشگاه	جزء ۶۱

بستر: به شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند بستر گفته می‌شود. تمیز آن‌ها از شرایط علی مشکل است. در برابر شرایط علی که مجموعه از متغیرهای فعال است، این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند.

جدول ۴- مفاهیم و مقوله‌های بستر (شرایط زمینه‌ای) اشتغال دانش‌بنیان

مضامین (قضایا)	ابعاد (مقوله‌ها)	تعداد اجزا (مفاهیم)
نهادهای	ظرفیت نهادی ارتقا یافته	جزء ۳۵
	تسهیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	جزء ۲۶
	تقویت حقوق مالکیت فکری و الزامات آن برای استراتژی‌های کسب و کار	جزء ۴۴
	لزوم همگرایی نهادی برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان	جزء ۲۰
	اشاعه یادگیری نهادی	جزء ۲۰
	جذب نخبگان	جزء ۳۰

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر شرایط عام و ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند.

راهبردهای تعامل و کنش^۱: کنش‌ها و بر هم کنش‌ها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر، اتخاذ می‌شوند. به این مقولات راهبرد یا فرآیندها نیز گفته می‌شود.

۱. Actions & Interaction Strategies

جدول ۵ - مفاهیم و مقوله‌های شرایط مداخله‌گر اشتغال دانش‌بنیان

تعداد اجزا (مفاهیم)	ابعاد (مقوله‌ها)	مضامین (قضایا)
جزء ۲۰	ارتقاء اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی
جزء ۲۰	ارتقاء انسجام اجتماعی	
جزء ۲۲	ارتقاء مشارکت اجتماعی	
جزء ۲۴	ارتقاء آگاهی عمومی و ایجاد جامعه مدنی قوی	نظام آموزشی و پژوهشی ارتقا یافته
جزء ۲۶	اعمال اصلاحات در نظام آموزشی و پژوهشی کشور	
جزء ۳۱	تقویت نظام آموزش عالی و بازار کار	
جزء ۶۶	متنوع‌سازی نظام	
جزء ۲۵	توسعه یادگیری شغلی	
جزء ۲۲	ایجاد برنامه‌های تحصیلی خلاق	
جزء ۲۹	ارتقاء کیفیت محتوای آموزشی با تاکید بر رابطه نظریه و عمل براساس مسائل واقعی جامعه و یکپارچه‌سازی دوره های عملی بیرونی با برنامه‌های آموزشی	
جزء ۶۱	توسعه ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت	
جزء ۳۵	تعامل بین سیستم آموزشی و سیستم اقتصادی - اجتماعی گسترده‌تر	
جزء ۲۹	سیستم آموزشی منعطف	
جزء ۲۰	مدیریت منعطف موسسات تحقیق و توسعه دولتی	
جزء ۴۷	ایجاد و اشاعه فرهنگ پژوهش	
جزء ۲۰	افزایش ارتباطات بین المللی	
جزء ۲۰	خلق شایستگی از طریق آموزش رسمی در موسسات ویژه و یادگیری از طریق انجام کار	
جزء ۲۱	بهبود سیاست های بازار کار	نهاد سیاست
جزء ۲۳	سیاست‌گذاری کاهش تورم و مدیریت باثبات اقتصاد کلان	
جزء ۲۸	ایجاد و ارتقاء یادگیری مقایسه‌ای از طریق مقایسه بین المللی	
جزء ۲۴	توجه به سیاست برای علم و فناوری	
جزء ۳۶	توجه به سیاست از طریق علم و فناوری	شرایط اقتصاد کلان
جزء ۳۲	باز نمودن اقتصاد و بهبود وضعیت رقابتی	
جزء ۴۹	ارتقاء نقش بازار سرمایه در بهبود محیط کسب و کار	
جزء ۲۰	ارتقاء انعطاف‌پذیری در بازار نیروی کار	
جزء ۳۷	تدوین و اجرای راهبرد جامع و یکپارچه اقتصادی، اجتماعی و فناورانه	
جزء ۳۷	ارتقاء مشارکت بخش خصوصی	
جزء ۵۰	وجود رژیم رقابتی مناسب در داخل کشور	
جزء ۲۸	ارتقاء انعطاف و امنیت بازار	
جزء ۳۰	بهبود مدیریت اقتصاد داخلی	فناوری اطلاعات و ارتباطات
جزء ۳۹	ایجاد و ارتقاء امنیت قانونی برای سرمایه‌گذاری	
جزء ۳۲	ارتقاء رقابت در سطح بین المللی	
جزء ۲۰	توسعه زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات	
جزء ۳۱	توسعه دولت الکترونیک	

جدول ۶- مفاهیم و مقوله‌های راهبردهای تعامل و کنش اشتغال دانش‌بنیان

مضامین (قضایا)	ابعاد (مقوله‌ها)	تعداد اجزا (مفاهیم)
شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری	ایجاد و اشاعه توانمندی‌های فناورانه در سطح بنگاه	جزء ۲۴
	ایجاد و اشاعه یادگیری سازمانی	جزء ۴۰
	ایجاد و اشاعه اعتماد سازمانی	جزء ۲۶
	ارتقاء عملکرد شرکت‌های دانش‌بنیان	جزء ۵۳
	تمرکز بر شایستگی محوری و برون‌سپاری در فرآیند کسب و کار	جزء ۴۰
	ارتقا ظرفیت جذب بنگاه	جزء ۵۲
	تعامل رسمی و مستقیم با مشتریان و عرضه‌کنندگان (زنجیره تامین) به منظور ارتقای رقابت‌پذیری در بازار	جزء ۲۳
	آموزش و توسعه اثربخش کارکنان	جزء ۲۲
	وجود راهبردهای خلق شایستگی در سطح شرکت‌ها	جزء ۴۶
	اشاعه و یادگیری فناورانه	جزء ۲۶
تعامل غیررسمی و غیر مستقیم با رقبا به منظور ارتقای سرریز دانش	توسعه متوازن ظرفیت تحقیق و توسعه درونی و بیرونی بنگاه به منظور بهره‌مند شدن از منابع فناوری بیرونی	جزء ۲۰
	توسعه خوشه‌های صنعتی	جزء ۲۷
توسعه منطقه‌ای	تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی	جزء ۲۰
	ارتقاء ساختار تولید	جزء ۵۴
	بهبود فضای کسب و کار خصوصی‌سازی و توسعه	جزء ۲۸
	توسعه انکوباتورهای کسب و کار	جزء ۲۰
	همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل ساختارها و نهادهای اجتماعی - فرهنگی برای توسعه منطقه‌ای	جزء ۲۰
یادگیری همکارانه (مبتنی بر اعتماد متقابل)	اشاعه یادگیری غیر رسمی	جزء ۲۳
	ارتقاء سطح همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل	جزء ۲۰
	خلق فرایند یادگیری آگاهانه در سطح ملی و ارتقاء یادگیری اجتماعی	جزء ۲۱
نوآوری و بازاریابی	بازاریابی بین‌المللی	جزء ۳۸
	نوآوری در تامین مالی	جزء ۲۱
	نوآوری در شرکت‌های دانش‌بنیان	جزء ۲۰
	نوآوری در مدل‌های کسب و کار	جزء ۳۹
	نوآوری در محصول و خدمات	جزء ۲۰
	نوآوری در خلاقیت	جزء ۴۱
	اصلاح بازار انرژی	جزء ۵۲
رشد و توسعه اقتصادی	اصلاح نظام مالی و ثبات بودجه کشور	جزء ۲۲
	الزامات نهادی و بهبود نظام تدبیر	جزء ۳۱
	تقویت صندوق توسعه ملی	جزء ۲۸
	هدف‌مندی‌سازی پرداخت‌های نقدی	جزء ۲۹

گام سوم: کدگذاری انتخابی

هدف نظریه‌پردازی داده بنیاد، تولید نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای اینکه تحلیل‌ها به نظریه تبدیل شوند مفاهیم باید به طور منظم به یکدیگر ربط یابند. کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری (که مراحل مقدماتی و زمینه‌ساز برای نظریه‌پردازی، مقوله‌ها و روابط مقدماتی را با سازه‌ها و اصول اصلی نظریه در اختیار می‌گذارند) به تولید نظریه می‌پردازد. بنابراین کدگذاری انتخابی فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود (پالایش) مقوله‌ها است به این ترتیب که محقق با ایجاد یک آهنگ و چیدمان خاص بین مقوله‌ها آن‌ها را برای ارائه و شکل‌دهی یک نظریه (تصویر) تنظیم می‌کند. نظریه حاصل شامل ایده‌ها و نمونه‌هایی است که می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد بررسی قرار گیرد. این نظریه می‌تواند در قالب مجموعه‌ای از فرضیه‌ها (اصلی و فرعی) بیان شود. در این مطالعه، پدیده اشتغال دانش‌بنیان مورد بررسی و موشکافی قرار گرفت. در مطالعه این پدیده مقوله‌های جدیدی به چشم خورد که براساس آن‌ها جدول‌های کدگذاری باز تنظیم شد؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری براساس مدل پارادایم و با محوریت مقوله «تعامل دانشگاه، صنعت و دولت» به عنوان یک مضمون اصلی، مقوله‌ها توسعه بیشتری پیدا کرده و بین آن‌ها و مقوله محوری روابطی ایجاد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

اشتغال و بیکاری یکی از موضوعات مهم در مباحث اقتصادی است که تقریباً در تمامی مکاتب و نظریه‌های اقتصادی این موضوع مورد بحث قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر با توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات و از آنجاییکه جهان به صورت یک دهکده کوچک درآمده و اقتصاد همواره در حال تغییر است باعث شده است همه قاره‌ها، مناطق و یا کشورها به طور جدی در اقتصاد جهانی درگیر شوند و به دنبال راهکاری باشند تا رقابت عامل اصلی در پیشرفت باشد. اقتصادهای مبتنی بر دانش یک مدل توسعه اقتصادی هستند که محیطی را فراهم می‌کنند که رقابت در آن حیاتی است. در کشورهای در حال توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و اشتغال دانش‌بنیان به صورت پراکنده و با الگویی ثابت و به صورت ناقص در حال انجام است.



شکل ۳- کدگذاری نهایی براساس مدل پارادایم

در ایران نیز مساله بیکاری تحصیلکرده در استان‌ها یکی از معضلاتی است که همواره مورد توجه مسئولین استان‌ها قرار گرفته است. استان یزد یکی از استان‌های صنعتی است که بر طبق آمار بدست آمده از سالنامه استان یزد نرخ بیکاری در جمعیت فارغ‌التحصیل یا در حال تحصیل دوره‌های عالی، ۱۴۰۳۱ و تعداد بیکاران ۴۵۹۱۲ نفر می‌باشد. این امر ضرورت بررسی توسعه اشتغال دانش‌بنیان را در این استان نشان می‌دهد. لذا در این پژوهش به بررسی ابعاد مختلف در زمینه توسعه اشتغال دانش‌بنیان در استان یزد پرداخته شد و مصاحبه‌های صورت گرفته از متخصصین این حوزه، اسناد و مدارک با این موضوع با استفاده از نرم‌افزار

ATLAS.ti8 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد: تعامل دانشگاه، صنعت و دولت در بستر شرایط نهادی همچون همگرایی نهادی، اشاعه یادگیری نهادی و انسجام و یکپارچگی ساختار نهادی جامعه و تحت تأثیر عوامل مداخله‌گر مانند فناوری اطلاعات و ارتباطات، سرمایه اجتماعی، نهاد سیاست، نوآوری و بازاریابی، نظام آموزش و پرورش ارتقاء یافته و شرایط اقتصادی کلان کشور، منجر به راهبردهای تعامل و کنش همچون توسعه منطقه‌ای، رشد و توسعه اقتصادی، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، و اشاعه یادگیری همکارانه مبتنی بر اعتماد متقابل می‌شود. نتیجه و پیامد این راهبردها، توسعه اشتغال دانش‌بنیان است که با مواردی همچون شبکه‌سازی بین نهادهای دانشگاهی و شرکت‌های دانش‌بنیان، در نظر گرفتن سیاست علم و فناوری از دارایی‌های ملی، وجود نیروی انسانی توسعه یافته با تحصیلات متناسب، تولید دانش براساس نیازهای جامعه و در بستر کاربردی، فعالیت دانشگاه‌ها از نهادی علمی - اقتصادی و گروه‌های دانشگاهی از بنگاه‌های دانشی، بهبود توانمندی فناورانه در صنایع اصلی، شبکه‌سازی بین نهادهای دانشگاهی و شرکت‌های خصوصی، فعالیت و یادگیری میان رشته‌ای بر اساس مسائل عملیاتی واقعی و یکپارچگی سیاست علم و فناوری با راهبردهای توسعه و سیاست‌های کلان مشخص می‌شود. در خصوص تشابه این مطالعه با سایر مطالعات صورت گرفته اینگونه بیان می‌توان کرد که تمامی مطالعات صورت گرفته در مطالعه کنونی مورد استفاده قرار گرفته است و به نوعی نتایج حاصل از این مطالعات جز مضامین، ابعاد و یا اجزا این پژوهش بوده‌اند برای مثال: راهکارهای فرد بنیان، علم‌بنیان، تجربه بنیان و باوربنیان در پایان نامه نجف‌تعدادی از اجزا مضمون نظام آموزشی و پژوهشی ارتقاء یافته پژوهش حاضر را شامل می‌شود و یا نهادها جمشیدی و همکاران (۲۰۱۸) مضمون بستر و زمینه نتایج پژوهش را نشان می‌دهد که برای پژوهش حاضر نیز اینگونه بوده است. به طور کلی می‌توان اینگونه بیان نمود که در مطالعات مشابه یک مقوله را در خصوص اشتغال دانش‌بنیان در نظر گرفته و بررسی نموده‌اند ولی در پژوهش حاضر تمامی ابعاد بررسی و ریشه‌یابی شدند و سعی بر این است که به صورت ریشه‌ای موضوع اشتغال دانش‌آموختگان حل شود به بیانی دیگر از اصل به فرع می‌پردازد و بیان می‌کند اصل یک موضوع

باید حل شود تا عوامل پایین دستی اصلاح گردند در صورتی که در مطالعات مشابه به اصلاح فرعیات پرداخته شده است.

پیشنهادها

- تدوین سیاست‌ها در راستای ارتقاء سطح یادگیری و مهارت بخش‌های مختلف جامعه از جمله مواردی است که باید مورد توجه دولت قرار گیرد. ضمن اینکه اصلاح نظام آموزشی و پرورشی کشور، توجه به مشارکت بخش خصوصی و توسعه هر چه بیشتر شرکت‌های دانش‌بنیان از جمله موارد قابل توجه در این رابطه است.

- حمایت از بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان برای استفاده از طرح‌های خلاقانه مخترعان جوان

- هماهنگی و همسویی اولویت‌های پژوهشی بخش دولتی با بخش خصوصی به منظور ارتقاء کارایی حرکت در جهت رشد فزاینده در استان

- توسعه امکانات پژوهشی به منظور خلق و انتشار دانش و راه‌اندازی مراکز تخصصی پژوهشی در روستاهای کمتر توسعه یافته اطراف

- افزایش امکانات دانشگاهی با هدف جذب نخبگان دانشگاهی برای افزایش مشارکت در ارائه مقالات کاربردی در مجلات تخصصی

- الگوپردازی از صندوق نوآوری و شکوفایی برای ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری جهت حمایت از طرح‌های نوآورانه و خلاق در استان

- افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های علم و فناوری و رژیم نهادی از جمله مهمترین زیربناهای اصلی حرکت به سوی رشد و توسعه.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- اولویت‌بندی راهبردها و اقدامات با توجه به وضعیت موجود کشور مشخص و ارائه شود.

- وضعیت موجود کشور در رابطه با هر یک از مضامین و ابعاد مرتبط با آن‌ها با وضعیت و تجربیات سایر کشورها مقایسه، بررسی و ارائه شود.

- وضعیت کشورهای توسعه یافته در رابطه با هر یک از مضامین و ابعاد آنها در طی دوره‌های زمانی مختلف از وضعیت "در حال توسعه" به "توسعه یافته" بررسی و ارائه شود.

References

- Ali Ahmadi, A. & Ghafarian, W (2012), "Principles of cognition and research method (with a look at historical studies)", *Al-Zahra Humanities Research Quarterly*, 13, 241-266.
- Abdi, B. (2012), "Designing a transition model to a learning economy in Iran with a science and technology policy approach," PhD thesis, Tarbiat Modares University.
- ADB (2014), Asian Development Bank (ADB).
- Bazargan Herandi, A. (2007), "Mixed research method: a superior approach for management studies", *Danesh Management Quarterly*, 21, 19-36.
- Chen, D. H. and Dahlman, C. J. (2005), "The knowledge economy, the KAM methodology and World Bank operations," World Bank Institute Working Paper.
- Cheney, P. H. (1984), "Effects of individual characteristics, organizational factors and task characteristics on computer programmer productivity and job satisfaction," *Information & Management*, 7, 209-214.
- Corominas, E., Saurina, C., and Villar, E. (2010), "The match between university education and graduate labour market outcomes (education-job match): an analysis of three graduate cohorts in Catalonia," *Studies on Higher Education and Graduate Employment*, Girona University.
- Danaei Fard, H (2016), "Competitive Paradigms in Organization and Management Science: A Comparative Approach to Ontology, Epistemology, and Methodology", *Shahid University Scientific-Research Bimonthly*, 14, 89-104.
- Danaei Fard, H. Elwani, S. M, & Adel, A. (2008), *Qualitative research methodology in management, a comprehensive approach*. Tehran - Nashersafar.
- Divandari, A. Kermanshah, A. & Ekhlasi, A. (2017), "Presenting a branding model for large recreational, accommodation, tourism and sports projects in the country with a local approach based on data-based theory", *Business Research Quarterly*, 27-64.
- Drucker, P. F. (1992), "of Organizations," *Harvard business review*.
- Drucker, P. F. (1966), *The Effective Executive*, New York, NY.: Harper and Row, Publishers, Inc.
- Drucker, P. F. (1999), "Management Challenges For the," Harper Collins.
- Emadzadeh, M & Shahnazi, R (2006), "Reviewing the basics and indicators of the knowledge-based economy and its position in selected countries in comparison with Iran". 7, 175-143.
- Greene, F. J. and Saridakis, G. (2008), "The role of higher education skills and support in graduate self-employment," *Studies in Higher Education*, 33, 653-672.
- HEFCE (2017), *Higher Education Funding Council for England*, Printed in the UK by the Williams Lea Group on behalf of the Controller of Her Majesty's Stationery Office.

- Horwitz, F. M., Heng, C. T., and Quazi, H. A. (2003), "Finders, keepers? Attracting, motivating and retaining knowledge workers," *Human resource management journal*, 13, 23–44.
- Hu, Q. (2019), "Analysis on the Impact of Knowledge-based Employees' Competency on Performance in E-commerce Enterprises," in 2018 International Symposium on Social Science and Management Innovation (SSMI 2018), Atlantis Press.
- Imani, M. T. (2007), "Evaluation of the human paradigm as a basic element in the design of the divine paradigm", *Quarterly Journal of the Methodology of Human Sciences University*, 14, 25-46.
- Jamshidi, A. Ali, S. Bafande Zinda, A. (2018), "Solutions for the development of knowledge-based employment in the country based on the foundation data method", *Scientific Quarterly of Applied Economic Theories*, 6(4), 85-108.
- Joo, B.-K. (2010), "Organizational commitment for knowledge workers: The roles of perceived organizational learning culture, leader–member exchange quality, and turnover intention," *Human resource development quarterly*, 21, 69–85.
- Lord, R. L. and Farrington, P. A. (2006), "Age-related differences in the motivation of knowledge workers," *Engineering Management Journal*, 18, 20–26.
- Markova, G. and Ford, C. (2011), "Is money the panacea? Rewards for knowledge workers," *International Journal of Productivity and Performance Management*.
- Massaro, S. (2012), "Managing knowledge-intensive workers," *Nature biotechnology*, 30, 721.
- Memarnejad, A. (2004), "Knowledge-based economy: requirements, indicators, situation of Iran, challenges and solutions" 1, 109-83.
- Najaflo, Akram (2016), "Employment development solutions (increasing jobs and knowledge-based companies) in Zanjan province," Master's thesis, Faculty of Humanities, Department of Management and Accounting, Zanjan University
- OECD (1996), *The Knowledge Based Economy*, Paris.
- Pourezzat, A. A. (1387), "Crossing the glass fences of epistemology, emphasizing the linguistic requirements of interdisciplinary sciences", *interdisciplinary studies in humanities*.
- Rizvani, M, Khodadad H, S, Azar, A, & Ahmadi, P. (2008), "Reflection on paradigmatic and paradigmatic foundations in interdisciplinary studies (case study: entrepreneurial marketing)", *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Human Sciences*, 2, 119-147.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998), *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*, Sage publications.
- Seyed Javadin, S. R. & Esfidani, M. R. (2009), *Foundation Data Theorization and ATLAS.ti Software*, Volume 18, Tehran - Business Studies and Research Institute, first edition.
- Sharfi, M. & Abbaspour, A. (2014), "Identifying the Employability Capabilities of University Graduates Based on Foundation Data Theory", *Persian Language and Literature*, 33, 3-48.
- Tang, H. (2020), "Practical Research on Graduates' Employment Quality Monitoring in Vocational Colleges—Taking the Demand of Expanding Employment Information Monitoring in Hunan Judicial Police Vocational College as an Example," in 2019 3rd International Conference on Education, Economics and Management Research (ICEEMR 2019), Atlantis Press, pp. 296–300.

- Vahidi, P. (2008), "Knowledge-oriented economy and the role of research and development in it"
- Wright, M., Tartari, V., Huang, K. G., Di Lorenzo, F., and Bercovitz, J. (2018), "Knowledge worker mobility in context: Pushing the boundaries of theory and methods," *Journal of Management Studies*, 55, 1–26.
- Wong, C. (2019), "Motivation in knowledge workers," .
- World, B. (2007), *Building knowledge economies: Advanced strategies for development*, World Bank.
- Zare Ghale Sidi, R. (2016), "Regional differences of knowledge-based economy in the provinces of Iran," Master's thesis, Faculty of Economics, Yazd University.